



نقش علم و صنعت در جامعه اسلامی

دکتر مهدی گلشنی

بسمه تعالی

این نوشتار براساس مقاله ایست که در آبانماه سال ۶۴ به کنفرانس بین المللی «علم در سیاست اسلامی» (اسلام آباد پاکستان) عرضه گردید. اصل آن مقاله به انگلیسی بوده و اکنون ترجمه آن با اضافاتی ارائه میشود.

مهدی گلشنی

در قرآن کریم در حدود ۷۸۰ بار لفظ علم و مشتقات آن بکار رفته است. در اولین آیاتی که به پیامبر (ص) نازل شد صحبت از قرائت و قلم و تعلیم علم به انسان به میان آمده است. «اقرأ باسم ربك الذي خلق * خلق الانسان من علق * اقرأ وربك الاكرم * الذي علم بالقلم * علم الانسان ما لم يعلم».

(العلق: ۵-۱)

(بخوان بنام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگارت که کریمترین کریمان عالم است. خدائی که بشر را بوسیله قلم آموخت. پیاموخت به آدمی آنچه را که نمیدانست).

و در جایی که خلقت آدم مطرح شده است صحبت از این است که پس از تعلیم اسماء به آدم، فرشتگان در مقابل او خضوع کردند:

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ».

(البقرة: ۳۲-۳۱)

(و به آدم همه اسماء را تعلیم داد، آنگاه آنها را به فرشتگان عرضه داشت. پس گفت مرا به اسماء اینان آگاه سازید اگر راستگو یانید. گفتند خداوندا تو منزهی ما جز آنچه توبه ما تعلیم دادی نمی دانیم؛ همانا تویی دانای حکیم).

در قرآن آمده است که عالمان با جاهلان مساوی نیستند:

«... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...»

(الزمر: ۴۹)

بگو آیا آنهایی که می دانند با آنهایی که نمی دانند برابرند؟

و آمده که تنها علماء درک می کنند:

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»

(العنكبوت: ۴۳)

(وما این مثلها را برای مردم میزنیم و جز دانشمندان آنها تعقل نخواهند کرد).

و آمده که تنها علماء از حق تعالی خشیت دارند:

«أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ...»

(فاطر: ۲۸)

(از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از خداوند خشیت دارند).

در سنت اسلامی نیز از علم و علماء زیاد صحبت شده است. از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرمود: «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است.

«طلب العلم فريضة على كل مسلم»^۱

(۱) کلینی: اصول کافی (ج ۱/ ۳۰) ابن ماجه: سنن (مقدمه، باب ۱۷، حدیث ۲۲۴).

و فرمود که: «علم را فرا بگیرید حتی اگر در چین باشد».

«اطلبوا العلم ولو بالصین»^۲.

و نیز فرمود: «از گهواره تا گور دانش بجوئید».

«اطلبوا العلم من المهد الى اللحد»^۳.

همچنین در روایات نبوی از علماء به عنوان ورثة انبیاء یاد شده:

«العلماء ورثة الانبیاء»^۴

و مرکب قلم دانشمندان برخون شهیدان ترجیح داده شده است: .

«یوم القیمة مداد العلماء و دم الشهداء فیرجح مداد العلماء علی دم الشهداء»^۵.

(روز قیامت مرکب قلم دانشمندان و خون شهیدان را با هم می سنجند، پس مرکب قلم

دانشمندان برخون شهیدان ترجیح داده می شود).

مطلب مهمی که از قدیم الایام نیز مطرح بوده این است که علم مورد نظر اسلام

چیست؟ آیا علم یا علوم خاصی مورد نظر است یا اینکه اصلاً محدودیتی در کار نیست؟ بعضی

از علمای اسلام تنها معارف خاص دینی را ممدوح دانسته اند و فراگرفتن دانشهای دیگر را تنها

در صورت نیاز جامعه اسلامی به آنها و آنها تا حدی که رفع حاجت بکنند ضروری شمرده اند.

اما حق اینست که اگر منظور اسلام علم خاصی بود پیامبر اکرم (ص) خود بدان تصریح

می فرمود. بعلاوه با استفاده از خود قرآن و سنت می توان نشان داد که علم مورد نظر اسلام

دامنه ای بس وسیع دارد. گفتاری که از امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر نقل

شده است. وسعت قلمرو علم اسلامی را بوضوح نشان میدهد:

«ذکریا مفضل ، فیما اعطی الانسان علمه وما منع فانه اعطی علم جمیع ما فیہ صلاح دینه و

دنیاه. فمما فیہ صلاح دینه معرفة الخالق تبارک و تعالی بالدلائل والشواهد القائمة فی الخلق؛ ومعرفة

(۲) غزالی: احیاء علوم (ج ۱/۱۴) مجلسی: بحار الانوار (ج ۱/۱۸۰)

(۳) سید حسن شیرازی: کلمة الرسول الاعظم (۴۰۳) از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که فرمود: طلب

العلم فریضة فی کل حال» (مجلسی: بحار الانوار، ج ۱/۱۷۲). (طلب علم در هر حالتی واجب است)

(۴) کلینی: اصول کافی (ج ۱/۳۲) ترمذی: سنن (کتاب علم، باب ماجاء فی فضل الفقه علی العبادة،

حدیث ۲۶۸۲).

(۵) سیوطی: الجامع الصغیر (جزء ثانی/۶۵۷، چاپ دمشق) همین مضمون در کتاب بحار الانوار مجلسی

(ج ۱۶/۲) بصورت زیر آمده است:

«اذا کان یوم القیمة وزن مداد العلماء بنماء الشهداء فیرجح مداد العلماء علی دعاء الشهداء».

الواجب عليه من العدل على الناس كافة وبرّ الوالدين، وأداء الامانة، ومؤاساة اهل الخلة، وأشباه ذلك مما قد توجد معرفته والاقرار والاعتراف به في الطبع والفطرة، من كلّ أمة موافقة أو مخالفة. و كذلك أعطى علم ما فيه صلاح دنياه كالزراعة، والغراس، واستخراج الأرضين، واقتناء الأغنام، والأنعام، واستنباط المياه، ومعرفة العقاقير التي يستشفى بها من ضروب الأقسام، والمعادن التي يستخرج منها أنواع الجواهر، وركوب السفن والغوص في البحر، وضروب الحيل في صيد الوحش والطيور والحيتان، والتصرف في الصناعات، ووجوه المتاجر والمكاسب وغير ذلك مما يطول شرحه ويكثر تعداده، مما فيه صلاح أمره في هذه الدار، فأعطي علم ما يصلح به دينه ودنياه، ومنع ما سوى ذلك مما ليس في شأنه ولا طاقته أن يعلم، كعلم الغيب وما هو كائن وبعض ما قد كان.. فانظر كيف أعطي الانسان علم جميع ما يحتاج اليه لدينه ودنياه، وحجب عنه ما سوى ذلك، ليعرف قدره ونقصه. وكلا الأمرين فيهما صلاحه...»^٦.

● درقرآن کریم در حدود ۷۸۰ بار لفظ علم و مشتقات آن به کار رفته است.

(بیاد آور ای مفضل آنچه را که خداوند زمینه فراگرفتن آنرا برای بشر فراهم کرده و آنچه را که بشر را از دانستن آن محروم کرده است پس دانستن آنچه را که مصلحت دین و دنیای مردم در آن است برای آنها میسر کرده است. از جمله معرفت هائی که در آنها مصلحت دینی بشر نهفته است، معرفت خالق تبارک و تعالی است از طریق دلایل و شواهدی که خداوند در مخلوقاتش ظاهر گردانیده و معرفت چیزهائی است که باعث رفتار عادلانه با همه مردم و نیکی به پدر و مادر و ادای امانت و مراعات فقرا و نظایر آنها می شود، اموری که معرفت و اقرار و اعتراف به آنها در طبع و فطرت هرانسانی هست چه مسلمان باشد و چه کافر. همچنین استعداد شناختن چیزهائی که در آنها مصلحت دنیوی بشر هست به انسان داده شده است. بعنوان مثال می توان امور زیر را یاد کرد: کشاورزی، درخت کاری، عمران زمین ها و دامداری، شناسائی گیاهانی که برای درمان بیماریها بکار می روند، شناسائی معادنی که انواع جواهر از آنها

(٦) مجلسی: بحارالانوار (ج ٣/ ٨٢ - ٨٣)

استخراج می شود شناخت نحوه حرکت در دریاها و فرو رفتن در اعماق آنها، شناخت روشهای مختلف صید حیوانات وحشی و طیور و ماهیان، تدبیر صنایع گوناگون، شناسائی انواع گوناگون بازرگانی و حرفه ها، و چیزهای دیگری که صلاح کار بشر در این جهان به آنهاست و شرح آنها بطول میانجامد و تعدادشان خیلی زیاد میشود. پس خداوند استعداد داشتن آنچه را که وسیله صلاح دین و دنیای بشر است به او داده است و او را از داشتن چیزهایی که در شأن او نیست و طاقت آنها را ندارد محروم کرده است. از جمله اینها میتوان علم غیب و علم به امور آینده و علم به بعضی از امور گذشته را نام برد... پس بنگر و تأمل کن که چگونه خداوند به انسان استعداد داشتن آنچه را که برای دین و دنیايش لازم دارد بخشیده است و دانش چیزهای دیگر را از او محجوب داشته است تا قدر خود را بشناسد و نقص خود را بداند و این هر دو به صلاح اوست...

تنها محدودیتی که در اسلام در مورد کسب دانش آمده است این است که مسلمانها باید تنها دنبال فراگرفتن علم نافع باشند. از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرمود:

«اللهم اني اعوذبك من علم لا ينفع.»^۷

(خدایا بتو پناه میبرم از علمی که در آن نفعی نیست).

هر علمی که انسان را در ایفای نقشی که حق تعالی در این جهان برایش گذاشته است یاری کند نافع بحساب می آید و در غیر اینصورت، علم، غیر نافع است. روایت زیر که از امام صادق (ع) نقل شده است ملاک تشخیص علم نافع از علم غیر نافع را به دست میدهد:

«فكل ما يتعلم العباد او يعلمون غيرهم من صنوف الصناعات مثل الكتابة والحساب والتجارة والصباغة والسراجه والبناء والحياكة والقضارة والخياطة وصنعة صنوف النساوير - مالم يكن مثل الروحاني - و انواع صنوع الآلات التي يحتاج اليها العباد التي منها منافعهم و بها قوامهم و فيها بلغة جميع حوائجهم فحلل فعله و تعليمه والعمل به وفيه لنفسه او لغيره.

و ان كانت تلك الصناعة و تلك الآلة قد يستعان بها على وجوه الفساد ووجوه المعاصي و يكون معونة على الحق و الباطل. فلا بأس بصناعته و تعليمه، نظير الكتابة التي هي على وجه من وجوه الفساد من تقوية معونة ولاة الجور.

و كذلك السكين و السيف و الرمح و القوس و غير ذلك من وجوه الآلة التي قد تصرف الى جهات الصلاح و جهات الفساد و تكون الة و معونة عليهما، فلا بأس بتعليمه و تعلمه و اخذ الاجر عليه وفيه

(۷) ابن ماجه: سنن (مقدمه، باب ۲۳، حدیث ۲۵۰) سیوطی: الجامع الصغير (جزء اول ۱۸۵ و ۱۹۲، چاپ دمشق).

والعمل به وفيه لمن كان له فيه جهات الصلاح من جميع الخلائق ومحرم عليهم فيه تصريحه الى جهات الفساد والمضار، فليس على العالم والمتعلم اثم ولا وزر لمافيه من الرجحان في منافع جهات صلاحهم وقوامهم وبقائهم به وانما الاثم والوزر على المتصرف بها في وجوه الفساد والحرام. وذلك انما حرم الله الفساد التي حرام هي كلها التي يجيء منها الفساد محضاً نظير البرابط والمزامير والشطرنج وكل ملهويه والصلبان والاقسام وما اشبه ذلك من صناعات الاشربة الحرام وما يكون منه وفيه الفساد محضاً ولا يكون فيه ولا منه شيء من وجوه الصلاح فحرام تعليمه وتعلمه والعمل به واخذ الاجر عليه وجميع الثقلب فيه من جميع وجوه الحركات كلها. الا ان تكون صناعة قد تصرف الى جهات الصنائع، وان كان قد يتصرف بها ويتناول بها وجه من وجوه المعاصي. فلعلته لما فيه من الصلاح حل تعلمه والعمل به، ويحرم على من صرفه الى غير وجه الحق والصلاح»^٨

(هرگونه صنعتی که بندگان خدا بیاموزند و یا بدیگری یاد بدهند، از قبیل نویسندگی و حسابداری و بازرگانی و زرگری و زین سازی و بنائی و بافندگی و دوزندگی و نقاشی (جز در مورد ذوی الارواح) و ساختن آلاتی که بندگان خدا بدانها نیاز دارند، یعنی منافع شان در آنهاست و قوامشان بدانها و برطرف کردن نیازهای زندگی شان وابسته به آنهاست، اشتغال بدان و تعلیم آن و عمل به آن و دخالت در آن برای خود و یا بخاطر دیگران حلال است. اما اگر این صنعت و یا آلت برای امور فاسد و معاصی به کار رود و کمک به حق و باطل هر دو باشد، نظیر نویسندگی که میتواند در امور فاسدی نظیر تقویت کارگزاران حکومتهای ظالم بکار رود، در اینصورت، استفاده از آن و تعلیمش اشکالی ندارد. همینطور است. در مورد ساختن کارد و شمشیر و نیزه و کمان و غیر اینها از آلاتی که هم در جهات صلاح بکار میروند و هم در جهات فساد و برای هر دو میتوانند کمک باشند تعلیم و تعلم و دریافت مزد و اشتغال به اینگونه امور در صورتی که در جهات مصالح خلق خدا باشد اشکالی ندارد، اما بکار بردن آنها در جهات فساد و مضر، حرام است، در این موارد برای استاد و شاگرد گناهی متوجه نیست زیرا در این آلات جهات صلاح غلبه دارند و قوام و بقاء مردم بدانهاست و البته اگر کسی اینها را در جهات فساد و حرام بکار ببرد گناهکار است، دلیل این مطلب این است که خداوند صناعی نظیر ساختن «تار» و «نی» و وسائل شطرنج و آلات گوناگون لهو و صلیبها و بتها و نظایرشان از نوحابه ای حرام را، که کلاً حرام هستند و تنها جنبه های فساد انگیز دارند، حرام کرده است. پس آنچه که از آن تنها فساد حاصل شود و یا در آن جهات فساد وجود داشته باشد و هیچ

(٨) حرانی: نجف العقول (٢٠٩ - ٢٥٠ چاپ قم).

«يَوْمَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشَّهَدَاءِ فَيَرْجِحُ
 مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دَمِ الشَّهَدَاءِ»
 روز قیامت مرکب قلم دانشمندان و خون شهیدان را با
 هم می‌سنجند، پس مرکب قلم دانشمندان بر خون
 شهیدان ترجیح داده می‌شود.

صلاحی در آن نباشد و از آن حاصل نشود تعلیم و تعلم و اشتغال بدان و دریافت مزد برای آن و هرگونه دخالتی در آن حرام است. اما اگر صنعتی باشد که بکار صنایع دیگر بیاید اما گاهی هم از آن برای ارتکاب برخی معاصی استفاده شود، در اینصورت از آن جهت که در آن جنبه‌های صلاح هست فراگیری و اشتغال به آن حلال است ولی برای کسی که آنرا در راه غیر حق و صلاح بکار میگیرد فراگرفتن آن حرام می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اسلام و علوم طبیعی



حال می‌خواهیم ببینیم علوم طبیعی در جهان بینی اسلامی از چه نظر مطلوبند و تا چه حد نقشی را که برای علوم ممدوح ذکر کردیم میتوانند ایفا کنند.
 مطالعه قرآن و سنت اسلامی نشان میدهد که فراگیری این علوم برای امت اسلامی از دو جهت ضروری است:

- ۱- نقش این علوم در خداشناسی
- ۲- نقش این علوم در قوام و اعتلای جامعه اسلامی



در قرآن مجید در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی آمده است. در این آیات خداوند متعال از پدیده‌های طبیعی بعنوان آیات الهی یاد می‌کند و بندگانش را به تفکر و نظر در آنها دعوت می‌نماید. این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱ - آیاتی که در آنها از مواد سازنده اشیاء صحبت شده و یا به کشف آنها امر کرده است مثلاً:

«فلینظر الانسان مم خلق»
(انسان بنگرد که از چه خلق شده است).

«والله خلق كل دابة من ماء...»
(خدا هر جنبه‌ای را از آب آفرید).

«انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعاً بصيراً»
(انسان را از نطفه مختلط آفریدیم که او را بیازمائیم و او را شنوا و بینا کردیم).

۲ - آیاتی که در آنها از نحوه خلقت اشیاء صحبت شده و یا به کشف نحوه پیدایش آنها امر شده است، مثلاً:

«وهو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام وكان عرشه على الماء...»

(هود: ۷)

اوست خدائی که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوره) خلق کرد و عرش او بر آب قرار داشت.

«ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طين * ثم جعلناه نطفة في قرار مكين * ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاماً فكسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين»

(المؤمنون: ۱۲-۱۴)

(ما انسانرا از عصاره‌ای از گل آفریدیم سپس آنرا نطفه‌ای در قرارگاهی مطمئن قرار دادیم سپس نطفه را بصورت علقه، و علقه را بصورت مضغه، و مضغه را به صورت استخوان در آوردیم آنگاه بر استخوانها گوشت پوشاندیم و پس از آن خلقتی دیگر انشاء نمودیم پس بزرگ است خدائی که بهترین خلق کنندگان است).

«اولم يرا الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما...»

(الانبیاء: ۳۰)

(آیا کافران توجه نکردند که آسمانها وزمین بهم پیوسته بودند و ما آنها را از هم جدا کردیم.)

«خلق السموات بغير عمد ترونها والقي في الارض رواسي ان تميد بكم...»

(لقمان: ۱۰)

(آسمانها را بدون ستونی که به حس مشاهده کنید خلق کرد و در زمین کوههای استوار قرارداد تا شما در آرامش باشید...)

«ثم استوى الى السماء وهي دخان...»

(سپس به خلقت آسمانها پرداخت درحالی که دود بود)

«افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت والى السماء كيف رفعت والى الجبال كيف نصبت

والى الارض كيف سطحت»

(الغاشية: ۱۷ - ۲۰)

(آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است و به آسمان نمی نگرند که چگونه برافراشته شده است و به کوهها نمی نگرند که چگونه برپا شده است و به زمین نظر نمی افکنند که چگونه گسترده و هموار شده است.)

۳- آیاتی را که در آنها امر به کشف نحوه پیدایش موجودات شده است، مثلاً:

«قل سيروا في الارض فانظروا كيف بدأ الخلق..»

(بگرد در زمین سیر کنید و ببینید که خداوند چگونه خلقت را آغاز کرد.)

«اولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده...»

(آیا ندیدند که چگونه خداوند مخلوقات را پدید می آورد و سپس آنها را باز

میگرداند...)

۴- آیاتی که در آنها امر به مطالعه تحولات طبیعی شده است:

«الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم يخرج به زرعاً مختلفا الوانه ثم

يهيج فترثه مصفراً ثم يجعله حطاباً ان في ذلك لذكرى لاولى الالباب...»

(الزمر: ۲۱)

(آیا ندیدی که خدا از آسمان آب باران نازل کرد و در روی زمین نهرها جاری ساخت و سپس انواع نباتات گوناگون بدان برو باند، آنگاه رو بخزان آرد و می بینی که زرد می شود و

خداوند آنرا خشک می گرداند. هر آینه در این مطلب تذکری است برای خردمندان).
«الله الذي يرسل الرياح فتثير سحاباً فيسقطه في السماء كيف يشاء ويجعله كسفاً فترى الودق يخرج من خلاله...»

(الروم: ٤٨)

(خدائی که میفرستد بادهای را و بوسیله آنها برمی انگیزاند ابر را سپس می گستراند ابر را در آسمان هرطور که بخواهد و آنرا به صورت قطعه قطعه در می آورد آنگاه می بینی که قطرات باران از لابلای ابرها خارج میشود).

«ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار والفلک التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحيا به الارض بعد موتها وبت فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب والمستخرين السماء والأرض لآيات لقوم يعقلون»

(البقرة: ١٦٤)

(براستی در آفرینش آسمانها وزمین آمد وشد شب و روز و کشتیهائی که در دریا به سود مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادهای و در ابرهای رام شده میان زمین و آسمان دلائل و نشانه هائی است برای مردمی که دارای عقل هستند و می اندیشند).

۵ - آیاتی که در آنها به موجودات طبیعی قسم خورده شده است، مثلاً:

«والشمس وضحيتها * والقمر اذا تليها * والنهار اذا جليها * والليل اذا يغشيها * والسماء وما بنيتها * والارض وما طحيتها...»

(الشمس: ١-٦)

(سوگند به خورشید و پرتو تابانش، و به ماه، آنگاه که در پس خورشید برآید، و به روز آنگاه که جهان را روشن سازد، و به شب وقتی که عالم در پرده سیاهی کشد، و به آسمان بلند و آنکه آنرا بنا کرد و به زمین و آنکه آنرا بگسترده...)

«فلا أقسم بمواقع النجوم وانه لقسم لوتعلمون عظيم...»

(الواقعة: ٧٥-٧٦)

(سوگند به منازل ستارگان، و این قسم - اگر بدانید - سوگندی است بسیار بزرگ).

«والسماء والطارق * وما ادريك ما الطارق * النجم الثاقب * (الطارق: ١-٣)

(سوگند به آسمان و اختر شبگرد، و توجه میدانی که اختر شبگرد چیست؟ آن ستاره فروزان تابان است).

(البروج: ١)

«والسماء ذات البروج»

(سوگند به آسمان دارای برجها)

۶ - آیاتی که در آنها با اشاره به برخی از پدیده‌های طبیعی امکان وقوع معاد بیان شده است مثلاً:

«یا ایها الناس ان کنتم فی رب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة... وترى الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت وانبتت من کل زوج بهيج»

(الحج: ۵)

ای مردم اگر در رستاخیز شک دارید پس توجه کنید که ما شما را از خاک آفریدیم بعد از علقه و سپس از مضغه که بعضی دارای شکل است و برخی بدون شکل... (از طرف دیگر) زمین را (در فصل زمستان) خشک و پژمرده میبینی، اما هنگامی که باران را بر آن فرو می‌فرستیم سبز و خرم میشود و نمو میکند و از هر نوع گیاه زیبا میرو یاند).

«اولیس الذی خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم * بلی وهو الخلاق العلیم»

(یس: ۸۱)

(آیا آن خدائی که آسمانها و زمین را آفریده بر آفرینش مثل آنها قادر نیست؟ آری او قادر است) زیرا او آفریننده داناست).

«یخرج الحی من المیت و یدخر الحی من الحی و یدخر الارض بعد موتها و كذلك

(الروم: ۱۹)

تخرجون»

در قرآن مجید در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خدانشناسی از راه علوم طبیعی آمده است.

(زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از مرگ گیاهان (در فصل زمستان) باز زنده می‌گرداند و به همین نحو شما (به هنگام قیامت) از خاک بیرون آورده می‌شوید).

۷ - آیاتی که در آنها صحبت از وجود نظم در طبیعت و اتقان صنع باری شده است

مثلاً:

«وترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شيء انه خبير بما

تفعلون»

(النمل: ٨٨)

(کوهها را بینی و پنداری که ساکن هستند، با آنکه همچون ابر در حرکتند این صنع خدا است که هر چیزی را متقن آفریده است برآستی خدا بر آنچه می کنید آگاه است).

«الذي خلق سبع سموات طباقا * ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت * فارجع البصر هل ترى من فطور * ثم ارجع البصر كرتين * ينقلب اليك البصر خاسئاً وهو حسير».

(الملك: ٣-٤)

(آن خدائی که هفت آسمان را بصورت طبقاتی منظم بیافرید، تو در خلقت خدای رحمان، بی نظمی و نقصان نخواهی یافت پس باز- به دیده عقل در نظام آفرینش - بنگر تا مگر خللی در آن توانی یافت؟ باز دو باره - به چشم بصیرت - نگاه کن - در اینصورت - چشم خرد زبون و خسته بسوی تو باز میگردد).

(الحجر: ١٩)

«وانبتنا فيها من كل شيء» موزون»

(واز هر گیاه، موزون در آن رو یاندم).

(الفرقان: ٢)

«وخلق كل شيء فقدره تقدیراً»

(و همه چیز را آفرید و برای آن اندازه ای معین مقرر داشت).

«خلق السموات والارض بالحق يكور الليل على النهار ويكور النهار على الليل وسخر الشمس

والقمر كل يجري لاجل مسمى...»

(الزمر: ٥)

(آسمانها وزمین را بحق آفرید و شب را بروز و روز را به شب پیوشانید و خورشید و ماه را

مسخر کرد تا هریک برای مدت معین گردش کنند....

(الانبياء: ١٦)

«وما خلقنا السماء والارض وما بينهما لاعين»

(ما آسمان و زمین و اشیاء بین آنها را به بازیچه نیافریدیم).

(البقره: ٢٩)

«هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً»

(اوست خدائی که همه آنچه را که در زمین وجود دارد برای شما آفرید).

(الجاثية: ١٢)

«وسخر لكم ما في السموات وما في الارض جميعاً منه»

(و همه آنها را که در آسمانها و زمین است مسخر شما قرار داد).

«هوالذي جعل لكم الارض ذلولاً فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه..» (الملك: ١٥)
(اوست خدائی که زمین را برای شما هموار گردانید پس شما در پست و بلندیهای آن حرکت کنید و روزی آن خورید.)

«والانعام خلقها لكم فيها دف و منافع ومنها تأكلون» (النحل: ٥)
(و چهار پایان را آفرید در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آنها میخورید.)

«وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (الحديد: ٢٥)
(و آهن را که در آن هم سختی و هم منافع بسیار برای مردم است فرو فرستادیم.)
«وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر، قد فصلنا الآيات لقوم يعلمون»

(الانعام: ٩٧)
(اوست خدائی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکیهای خشکی و دریا به وسیله آنها هدایت شوید، نشانه های خود را برای اهل دانش بیان کردیم.)
در این آیات خداوند متعال بندگانش را دعوت به تفکر و نظر کردن در پدیده های طبیعی می کند تا انسانها از راه مشاهده نظم و هماهنگی دستگاه آفرینش و عجایب خلقت، به او پی ببرند.»

واضح است که برای درک مسائلی که در این آیات مطرح شده است و برای یافتن پاسخ به سئوالاتی که در برخی از این آیات آمده است دانستن علوم طبیعی ضروری است زیرا مطالعه سطحی موجودات طبیعی نمی تواند انسان را به عظمت خلقت آشنا سازد. به همین جهت است که در آیات ۲۸ - ۲۷ سوره فاطر خداوند پس از ذکر یک سلسله از پدیده های طبیعی می فرماید: «انما يخشى الله من عباده العلماء» یعنی تنها علماء هستند که عظمت خدایا را میبایند و خشیتی شایسته او در دلشان پیدا میشود. همچنین در قرآن آمده است:

«بل هو آيات بينات في صدور الذين اوتوا العلم» (العنكبوت: ٤٩)
(بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در سینه آنانکه از خدا نور علم و دانش یافتند و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند.)

البته علم به احوال موجودات و پدیده های طبیعی تنها عالمان مؤمن را به خشوع در برابر پروردگار وامیدارد و الا آنهاست که ایمان ندارند، هر چند با برخی از علوم طبیعی آشنا باشند، مشمول آیه شریفه: «انما يخشى الله من عباده العلماء» نیستند و چنانکه در آیه شریفه:

«قل انظروا ماذا في السموات والارض وما تغني الايات والنذر عن قوم لا يؤمنون»

(یونس: ۱۰۱)

(بگو بنگرید آنچه را که در آسمانها وزمین است، اما این آیات و انذارها، افرادی را که ایمان ندارند، فایده ای نخواهند بخشید).

«يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ.

زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین
را پس از مرگ گیاهان (در فصل زمستان) باز زنده
می گرداند و به همین نحو، شما (به هنگام قیامت) از
خاک بیرون آورده می شوید.

گفته شد که مطالعه پدیده های طبیعی آدمهای بی ایمان را بخدا نزدیک نمی کند ولی
ناگفته نماند که قرآن کتاب علوم تجربی نیست و ذکر پدیده های طبیعی در آن از این جهت
است که:

اولاً انسان از طریق مطالعه طبیعت و دیدن شگفتی های خلقت و نظم موجود در جهان، ایمانش به
خدا افزوده گردد.

و ثانیاً با امکانات فراوانی که در طبیعت برای او مهیا گشته است آشنا گردد و بدینوسیله
نیز بر معرفت او نسبت به خداوند افزوده شود، و ضمناً با استفاده صحیح از آنها او را سپاسگزاری
نماید.

نقشی که قرآن برای علوم تجربی از جهت خداشناسی قائل است عامل اصلی اقبال
دانش پژوهان مسلمان به این علوم شده، و در واقع پیدایش تمدن درخشان اسلامی را باید تا حد
زیادی مرهون آن دانست این مطلب را هم محققین غیر مسلمان متذکر شده اند و هم در کلمات

خود آن دانشمندان میتوان مشاهده نمود.

لوی (R. Levy) در کتاب «ساخت اجتماعی اسلام» میگوید: ^۹ «که صرفنظر از عده قلیلی از دانش پژوهان مسلمان که تحت تأثیر یونانیها بودند انگیزه مسلمانانی که در علوم تحقیق کردند این بود که در عجایب خلقت، آثار عظمت الهی را مشاهده کنند».

جرج سارتن نیز در کتاب «دیباچه‌ای بر تاریخ علم» عقیده دارد که: «برای درک کامل علت فعالیت مسلمانها در رشته‌های علمی باید به نقش محوری قرآن برای آنها توجه کرد» ^{۱۰}

ابو ریحان بیرونی در مقدمه کتاب «تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن» میگوید:

«و چون کسی بر آن شود که حق و باطل را از یکدیگر باز شناسد، ناگزیر کارش به جستجوی احوال جهان و اینکه آیا همیشه بوده یا نوپدید است می انجامد و اگر خود را از این جستجوی نیاز شمارد، در راهی که پیش گرفته است، از آن بی نیاز نیست که در تدابیری که سامان جهان در یکپارچگی و پاره‌هایش بر آن گردش دارد بیندیشد و برحقایق آن آگاه شود، تا از این راه مدبر جهان و صفات او را بشناسد. و این جستجو و نگرش همان است که خدای تعالی از بندگان خردمند خود خواسته است در آنجا که گفته است و گفته‌اش راست و روشنگر است «ویتفكرون في خلق السموات والارض، ربنا ما خلقت هذا باطلا...» (آل عمران: ۱۹۱)

و این آیه شریفه همه آنچه را که به تفصیل بیان کردم فرا میگیرد و اگر آدمی درست بر آن کار کند بر همه دانشها و شناختها دست خواهد یافت.» ^{۱۱}

و نیز بیرونی در کتاب «الجماهر فی معرفة الجواهر» آنجا که صحبت از نقش چشم و گوش در زندگی انسان میکند میگوید:

«بینائی برای آنست که از آثار حکمتی که در مخلوقات دیده میشود عبرت بگیریم و از مصنوعات بر وجود صانع استدلال کنیم» ^{۱۲}.

۹) R. Levy , The Social Structure Of Islam (cambridge) (England) , P 400

۱۰) «اگر ما گرایش دانش اسلامی را به سوی قرآن کاملاً درک نکنیم بار دیگر می‌رسیم در آن صورت

چگونه میتوانیم به درک درستی از آن نائل شویم؟ «مقدمه بر تاریخ علم (ترجمه فارسی، صدری افشار، ج ۱/۲۳)

۱۱) بیرونی: تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن (ترجمه فارسی، احمد آرام ص ۳-۴)

۱۲) «اما البصر فاعتبار بما يشاهد الحكمة من المخلوقات والاستدلال علی الصانع من المصنوعات»

کتاب الجماهر فر معرفة الجواهر (ص ۵/ چاپ حیدرآباد ۱۹۳۵).

از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرمود:

«اللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»

خدایا بتو پناه میبرم از علمی که در آن نفعی نیست

ابن هیثم در دفترچه خاطراتش آنجا که خاطرات مربوط به سال ۴۱۷ هجری را ثبت کرده است میگوید^{۱۳}: «من از دوران کودکی همواره روی عقاید فرق مختلف مردم مطالعه میکردم و از اینکه میدیدم هر فرقه‌ای به اعتقادات خویش تمسک میجوید، در همه آنها شک کردم، چه عقیده داشتم که حقیقت یکی بیش نیست و اختلاف فرقه‌های مختلف در روش رسیدن به حقیقت است. بعد از آنکه به ادراک امور عقلی ناائل آمدم تصمیم گرفتم به جستجوی حقیقت پردازم و آنچه را که باعث زدودن خرافات و شکوک گمراه کننده میشود بیاموزم. پس برآن شدم که به کشف آنچه مرا به خدا نزدیک میکند و باعث رضای و تسلیم من در برابر او و تقوا در من میشود پردازم. در این حالت وضع من آنچنان بود که جالینوس در فصل هفتم کتاب «حیلة البرء» خطاب به شاگردانش توصیف کرده است:

«نمیدانم چه باعث شد - شما می‌توانید آنرا اتفاق، الهام الهی، دیوانگی و یا چیز دیگر بنامید - که من از اوان کودکی از مردم عوام دوری می‌جستم و آنها را کوچک می‌شمردم و به آنها توجهی نداشتم. در من تنها اشتغالی یافتن حقیقت و طلب علم بود و من به این نتیجه رسیدم که برای نزدیکی به خداوند هیچ چیز در دنیا مناسبتر از جستجوی حقیقت و کسب دانش نیست.»

... سرانجام به این نتیجه رسیدم که حقیقت را تنها از راه نظریاتی میتوان یافت که ماده آنها امور حسی و صورت آنها امور عقلی باشد و من اینرا تنها در منطق و طبیعیات والهیات ارسطو که فلسفه را تشکیل میدهند یافتم...

بعد از آنکه این مطلب واضح شد (که ارسطو چه انجام داده است)، تصمیم گرفتم فلسفه را که شامل ریاضیات و طبیعیات والهیات بود فرا بگیرم. بنابراین از این امور سه‌گانه

(۱۳) محمد لطفی جمعه: تاریخ فلاسفة الإسلام (۲۷۰)، چاپ مصر، ۱۳۴۵ هجری قمری).

اصول و مبادی آنها را فرا گرفتیم و بر فروغ آنها مسلط شدم. و چون دیدم که طبیعت انسان قابل فساد است و دستخوش فنا میشود، آنچه را که از این اصول سه گانه فکرم به آن‌ها احاطه داشت شرح و تلخیص و مختصر کردم و در باره فروع آنها آنچه را که باعث ایضاح مشکلات آنها میشد افزودم، و این در ذی الحجة سال ۴۱۷ هجری بود.

می بینیم که دانشمندان مسلمان، علوم طبیعی را از این جهت که انسان را به خدا نزدیک می کند دنبال می کردند، نظر آنها این بود که با مطالعه آیات حقتعالی در جهان طبیعت می توان به وحدتی که در پس کثرات وجود دارد پی برد، و آنها وحدت طبیعت و اجزای آنرا حاکی از وحدت خالق جهان میدیدند. دلیل جذب علوم تجربی و عقلی از ملل دیگر نیز بخاطر این بود که هدف آن علوم را نمایان ساختن وحدت عالم و پیوستگی مراتب مختلف وجود میدانستند و بنابراین آنها را در خط سیر خودشان تشخیص می دادند. البته دانشمندان مسلمان پس از جذب آن علوم آنها را تحت جهان بینی اسلامی در آوردند و بعلاوه تنها بر روش عقلی اکتفا نکردند، بلکه از روش تجربی هم بهره فراوان گرفتند.

متأسفانه این نحوه برداشت از علوم طبیعی کم کم در دنیای اسلام کنار گذاشته شد و مسلمین آیات ارزنده قرآن مربوط به طبیعت شناسی و بهره برداری از امکانات طبیعی را کنار گذاشتند و این دیگران بودند که موضوعاتی را که قرآن تشویق به مطالعه آنها کرده بود تحت بررسی قرار دادند و بر جهان مسلط گشتند. نتیجه این امر این شد که شکاف عمیقی بین دین و دنیای مردم بوجود آمد و کشورهای مسلمان همراه با جذب علوم غربی مظاهر حیات غربی را نیز جذب کردند و اکنون بجائی رسیده اند که هم حیات مادیشان در خطر است و هم معنویات را از دست داده اند.

پرتال جامع علوم انسانی

نقش علوم طبیعی در قوام و اعتلای جامعه اسلامی



از آنجا که طبق نص صریح قرآن، اسلام دینی است جهانی:

(الاعراف: ۱۵۸)

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»

(بگو ای مردم من بر همه شما رسول خدایم).

(سبأ: ۲۸)

«وما ارسلناک الا کافة للناس بشیراً و نذیراً»

(وما نفرستادیم ترا مگر اینکه همه بشر را بشارت و انذار دهی).

و از آنجا که هدف اسلام برقراری یک جامعه توحیدی است، برای اینکه آیه شریفه:
«وجعل كلمة الذين كفروا السفلى وكلمة الله هي العليا..»

(التوبة: ٤٠)

(و ندای کافران را پائین قرار داد (و آنها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا و
(آیین او) بالا (و پیروز) است...)

تحقق پذیرد و جامعه توحیدی از خطر دنیای کفر برحذر بماند باید جامعه اسلامی
جامعه‌ای مستقل باشد. از آیه شریفه:

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»

(النساء: ١٤١)

(خدا هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه - تسلطی - باز نکرده است).

و حدیث شریف:

«الاسلام يعلو ولا يعلى عليه»^{١٤}.

(اسلام برتر است و هیچ چیز بر آن برتری ندارد) که از رسول اعظم نقل شده است نیز
نتیجه می‌دهد که مسلمانان نباید هیچگاه تحت سلطه کفار باشند و بنابراین باید از هر جهت خود را
مستقل و خود کفا کنند. بهمین دلیل است که فقهای اسلام گفته‌اند هر عملی که موجب تفوق
کفار بر مسلمین شود حرام است.^{١٥} و فراهم نمودن هر چه برای قوام جامعه اسلامی لازم باشد
واجب کفائی است.

خداوند خود در قرآن از مسلمانان خواسته است که برای حفظ جامعه اسلامی خود را بهر
طریق ممکن مجهز کنند: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله
وعدوكم»

(الانفال: ٦٠)

(١٤) صدوق: من لا يحضره الفقيه (ج ٤/٣٣٤، چاپ مکتبه الصدوق) این حدیث در صحیح بخاری (کتاب
الجنائز) والجامع الصغير سيوطي (جزء اول/٤١٧، چاپ دمشق) بصورت زیر آمده است:
«الاسلام يعلو ولا يعلى»

(١٥) فقها به آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» استدلال کرده‌اند که خداوند هیچ حکمی
را تشریح نکرده است که مستلزم سلطه و ولایت غیر مسلمان بر مسلمان باشد و از این مطلب احکام
زیادی استخراج کرده‌اند. و از جمله گفته‌اند که اگر پدر یک طفل مسلمان باشد و مادرش غیر مسلمان، مادر حق
نگهداری فرزند را ندارد و می‌گویند مسلمان حق ندارد وصیت کند اولاد صغارش تحت کفالت غیر مسلمان قرار گیرد
و اگر اینکار را بکند وصیت او باطل است، و می‌گویند پدرنا مسلمان حق ولایت بر اولاد مسلمان را ندارد، و باز
می‌گویند حکم حاکم غیر مسلم، گرچه حق باشد، در حق مسلم قابل اجرا نیست، و هكذا (تفسیر الکاشف، محمد
جواد مغنیه: ج ٢/٤٦٠).

در برابر آنها تا آنجا که توانائی دارید نیرو و اسبهای ورزیده آماده کنید تا بوسیله آنها دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید)

چون امروز همه کارها بر محور علم و تکنولوژی میگردد و این دو، عامل عمده برتری برخی ملل شده است، بر مسلمین است که همه علوم و فنونی را که وسیله تأمین استقلال آنهاست فرا بگیرند و برای اینکار باید بهترین متخصصین را تربیت کنند و بهترین امکانات فنی را در جوامع اسلامی فراهم نمایند تا نیازمند دیگران نباشند. متأسفانه از زمانی که مسلمین علوم طبیعی را کنار گذاشته اند همواره محتاج دیگران بوده اند و هر چه پیش رفته ایم وضع بدتر شده است.

ابن اخوه که از محدثان شافعی قرن هفتم هجری بوده در کتاب «معالم القریة فی الاحکام الحسبه» که به فارسی تحت عنوان «آئین شهرداری» ترجمه شده است می گوید: ۱۶ «پزشکی واجب کفائی است اما در روزگار ما کسی از مسلمانان بدان نمی پردازد و چه بسا شهرهائی که طیب ندارد جز اهل ذمه، که در مورد احکام طب شهادت آنان پذیرفته نیست. در این زمان کسی را نمی بینیم که دانش پزشکی را فراگیرد، اما در علم فقه بخصوص مسائل اخلاقی و جدلی غور می کنند و شهرپر از فقهای است که سرگرم فتوی و پاسخ دادن به وقایع هستند و من نمیدانم که دین چگونه اجازه میدهد که به یک واجب کفائی که گروهی بدان پرداخته اند سرگرم شوند و عمل واجب دیگری را که متروک مانده همچنان ترک کنند... دریفا که دانش دین برافتاده است. از خدا باید بخواهیم که ما را از این غرور و گمراهی بازگرداند.

اگر ابن اخوه در قرن هفتم هجری شکایت دارد که اغلب پزشکان جامعه اسلامی زمانش، مسیحی و یهودی هستند و مسلمانان پزشکی را ترک کرده اند امروز که در قرن پانزدهم هجری هستیم تمام منابع ثروت مسلمانها بدست دیگران استخراج میشود و منافع آنها بدیگران می رسد و مسلمانها از هر جهت وابسته به ابرقدرتهای شرق و غرب شده اند بقول اقبال لاهوری: دیروز مسلم از شرف علم سربلند امروز پشت مسلم و اسلامیان خم است در اینجا این سؤال مطرح میشود که چرا در حالی که قرآن میفرماید کافران از هیچ نظر بر مؤمنان چیره نخواهند شد، امروز کفار بر مسلمانان سلطه دارند؟.

جوابش اینست که در عصر حاضر مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و وظائف اسلامی

(۱۶) آئین شهرداری (ترجمه معالم القریة، ص ۱۷۰).

خویش را به کلی فراموش کرده‌اند. نه خبری از وحدت در میان آنهاست و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام از لحظه تولد تا مرگ بر همه لازم شمرده است، واجد هستند. مگر نه اینست که طبق آیه شریفه: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة تهبون به عدو الله...»

مسلمین موظف هستند برای حفظ استقلال خود و ارباب دشمنان خدا خود را از هر جهت مجهز کنند. دنیای اسلام در کدام میدان خود را مجهز کرده است ما در برابر دستورات مؤکد قرآن در مورد اعتلای جامعه جامعه اسلامی چه کرده‌ایم؟ چرا در حالی که اسلام اجازه نمیدهد حتی در موارد ساده‌ای مثل ارث، کفار قدرت پیدا کنند^{۱۷} مسلمانها از سر تا پایشان محتاج به محصولات غرب یا شرق اند.

در اسلام همه کارها و فعالیت‌ها بر محور خدا می‌گردد و علوم طبیعی نیز به عنوان وسائلی که به خداشناسی ما می‌افزاید و در ایجاد جامعه توحیدی مستقل مؤثرند، مطلوب هستند.

بد نیست به وضعیت فعلی جهان اسلام نظری بیفکنیم: الآن در حدود ۵۰ کشور اسلامی داریم که در حدود $\frac{1}{5}$ جمعیت جهان را در بردارند و در حدود $\frac{1}{5}$ مساحت جهان را شامل میشوند بیش از ۵۰ درصد منابع نفتی جهان در اختیار مسلمانهاست و از لحاظ منابع طبیعی هم مسلمانها غنی هستند اما از طرف دیگر کشورهای اسلامی، هم از لحاظ مواد غذایی هم از لحاظ فنی و علمی، و هم از نظر دفاعی نیازمندند و اکثر نیازهای خود را از بلوک شرق و

(۱۷) مذاهب خمسة (جعفری، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) اتفاق نظر دارند که غیر مسلم از مسلم ارث نمیبرد (محمد جواد مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسة ص ۴۹۹ چاپ دارالعلم للملایین، بیروت). امام باقر(ع) در بیان فلسفه تشریح این حکم فرموده‌اند: «ان الله عزوجل لم یزدنا بالاسلام الا عزا، فنحن نرثهم وهم لا یرثونا» (صدق: من لا یحضره الفقیه، ج ۴/۳۳۴، چاپ مکتبه الصدوق).

خداوند چیزی بوسیله اسلام تشریح نکرده است مگر آنکه بر عزت ما می‌افزاید پس ما از آنها (اهل کتاب) ارث می‌بریم ولی آنها از ما ارث نمی‌برند.

غرب تأمین می کنند. در زمان حاضر احتیاجات غذایی کشورهای اسلامی بیش از تولیدات آنهاست. در سالهای اخیر نرخ افزایش تولید مواد غذایی در کشورهای اسلامی بطور متوسط ۲/۵ درصد بوده، در حالی که نرخ افزایش جمعیت این کشورها بطور متوسط ۳ درصد بوده است.

اکنون تعداد نسبی با سوادان در کشورهای صنعتی ۹۵٪، در کشورهای جهان سوم ۵۵٪، و در کشورهای اسلامی ۳۴٪ میباشد (این کسر در مورد آمریکا و روسیه و ژاپن برابر ۹۹٪، در مورد چین برابر ۵۶٪ و در مورد پاکستان ۲۱٪ است).

از میان افرادی که بین ۵ تا ۱۹ سال دارند، درصد آنهایی که به مدرسه میروند بصورت

زیر است:

کشورهای صنعتی ۷۵٪

کشورهای جهان سوم ۴۸٪

کشورهای اسلامی ۴۰٪

از میان افرادی که بین ۲۰ تا ۲۴ سال دارند، درصد افرادی که به دانشگاه یا کالج

میروند بصورت زیر است:

کشورهای صنعتی ۳۳٪

کشورهای جهان سوم ۹٪

کشورهای اسلامی ۴٪

طبق گزارشی که در ماه مه ۱۹۸۳ به سازمان کنفرانس اندیشه اسلامی در اسلام آباد عرضه شد تعداد افرادی که در کشورهای اسلامی به کارهای تحقیقاتی و عمرانی مشغولند در حدود ۴۵۰۰۰ نفر است در حالی که این رقم در مورد روسیه ۱/۵ میلیون نفر و در مورد ژاپن ۴۰۰ هزار نفر است در اسرائیل این رقم در ۱۹۷۴ در حدود ۳۵۰۰۰ نفر بوده در حالی که در همین سال تعداد موجود در ایران ۴۹۰۰ نفر بوده است.

آمریکا سالیانه ۵۰۰۰۰ فارغ التحصیل دانشگاه و کالج دارد و ژاپن با نصف جمعیت آمریکا دو برابر این تعداد تولید میکند در حالی که آندسته از کشورهای اسلامی که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند (و رو بهمرفته ۲۸ کشور هستند) کلاً: در سال بیش از ۵۰۰۰ نفر فارغ التحصیل دانشگاه و کالج ندارند.

(۱۸) آمار ذکر شده در این بخش از مقالات عرضه شده به کنفرانس بین المللی «علم در سیاست اسلامی»،

که در نوامبر ۱۹۸۳ در اسلام آباد پاکستان برگزار شد، اخذ شده اند.

در سال ۱۹۷۶ رو بهمرفته در حدود ۳۵۲۰۰۰ نفر در جهان مقاله علمی نوشتند. از اینها در حدود ۹۴/۵٪ یعنی ۳۳۳۰۰۰ تا از کشورهای صنعتی بود که تنها $\frac{۱}{۴}$ جمعیت جهان را تشکیل میدهند و جهان سوم که $\frac{۳}{۴}$ جمعیت جهان را تشکیل میدهند کلاً ۱۹۰۰۰ نفر مقاله نویس داشتند از این ۱۹۰۰۰ تا حدود ۱۷٪ شان (یعنی ۳۳۰۰) مربوط به ممالک اسلامی بود، یعنی در مقام مقایسه با کل جهان، سهم دنیای اسلام ۹٪ بوده است تازه در میان ممالک اسلامی هم $\frac{۲}{۳}$ تعداد کل مقالات، مربوط به کشورهای مصر، نیجریه، ایران، ترکیه، مالزی و پاکستان بوده است.

تعداد اختراعاتی که در سال ثبت میشود در آمریکا یا روسیه برابر ۵۰۰۰۰ تا و در کل کشورهای اسلامی از ۵۰۰ تا کمتر است. در حالی که تعداد پزشکان در آمریکا به ازاء هر ۶۰۰ نفر یکی و در روسیه به ازاء هر ۳۰۰ نفر یکی است، در پاکستان به ازاء هر ۳۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد. و در ایران به ازاء هر ۴۰۰۰ نفر یکی.

واضح است که با این وضعیت اسفناک وابستگی کشورهای اسلامی به غرب ادامه خواهد داشت مگر آنکه خود را از لحاظ مواد غذایی و مهارت‌های علمی و فنی کاملاً مجهز کنند و آنهم نه بصورت معمولی، بلکه جهادگونه، جز با اقدامات جهادگونه احتمال کمی هست که کشورهای اسلامی بتوانند خود را واقعاً از نفوذ فرهنگی و اقتصادی غرب برهانند. امام خمینی در کتاب تحریرالوسیله میفرماید:

«لوحیف علی حوزة الاسلام من الاستیلاء السیاسی والاقتصادی المنجرالی اسرهم السیاسی والاقتصادی ووهن الاسلام والمسلمین وضعفهم یجب الدفاع بالوسائل المشابهة...»^{۱۹}

(اگر خطر تسلط سیاسی و اقتصادی دشمن بر جامعه اسلامی تا جایی باشد که بیم آن رود دشمن جامعه اسلامی را به اسارت سیاسی و اقتصادی خود بکشد و موجب تحقیر و سبکی اسلام و مسلمین شود و آنانرا ضعیف سازد، در اینصورت بر مسلمین واجب است با وسائلی شبیه آنچه دشمن دارد از خود دفاع کنند).

در اینجا تذکر دو نکته مهم را لازم میدانیم:

الف - از نظر اسلام چیزی که تضمین می کند علم در راه درست بکار رود ایمان است علم در قرآن مقرون با ایمان آمده است. در اولین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد و در آن امر به قرائت گردید (اقرأ باسم ربك الذي خلق) (العلق/۱) قرائت مقرون به اسم پروردگار آمده است،

(۱۹) امام خمینی: تحریرالوسیله (ج ۱/۴۸۵).

یعنی علم باید به اسم خدا باشد نه به اسم شیطان. علم همراه با ایمان است که میتواند منجر به عمل صالح شود، علم در دست افراد بی ایمان وسیله تخریب است. بسیاری از کارهای بد به دست علمای بی ایمان اتفاق افتاده است در یک حدیث نبوی آمده است:

«الا ان شر الشر شرار العلماء وان خیر الخیر خیار العلماء»^{۲۰}

بدترین بدها دانشمندان بد سیرت و خوب ترین خوبها دانشمندان نیک سیرتند.

و بقول مولوی:

بد گهر را علم و فن آموختن
تبیغ دادن در کف زنگی مست
علم و مال و منصب و جاه و قرآن
پس غزازین فرض شد بر مؤمنان
دادن تبیغ است دست راهزن
به که باشد علم ناکس را بدست
فتنه آرد در کف بدگواهرا
تا ستانند از کف مجنون سنان
خود قرآن نیز مؤمن بودن به مکتب را یک عامل ضروری برای تحقق برتری مسلمانها

شمرده است:

«ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» (آل عمران ۱۳۹)

(سستی مکنید و محزون مباشید که اگر در ایمانتان ثابت قدم باشید حائز بلندترین مرتبه

خواهید بود.)

«ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض..» (الاعراف: ۹۶)

(اگر مردمی که در این آبادیها زندگی می کردند ایمان می آوردند و تقوی پیشه

می کردند درهای برکات آسمان و زمین را بروی آنها میگشودیم...)

«ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین..» (المناقون: ۸)

(عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است.)

بنابراین مسلمانها باید متوجه باشند که کسب علوم و فنون گرچه بسیار مهم است ولی به

تنهایی کافی نیست و برای اعتلای جامعه اسلامی باید همراه با تقویت بنیه مادی و علمی خود

به مکتب شان نیز مؤمن باشند و براساس دستورها و اهداف آن عمل نمایند.

سید قطب ذیل آیه: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» کلام زیبایی دارد، او

می گوید:^{۲۱}

(۲۰) شیخ زید الدین عاملی (شهید ثانی): منية المرید فی آداب المفید والمستفید (ص ۴۵، چاپ قم).

(۲۱) سید قطب: فی ظلال القرآن (ج ۲/۵۶۰-۵۶۱).

خداوند وعده قاطع و حکم جامعی داده است که هرگاه حقیقت ایمان در نفوس مؤمنین مستقر شود و در روش زندگی و نظام حکومتی آنها تمثیل پیدا کند و در هر خاطره و حرکتی فقط خدا مطرح و در روش زندگی و نظام حکومتی آنها تمثیل پیدا کند و در هر خاطره و حرکتی فقط خدا مطرح و در هر چیز کوچک و بزرگ فقط خدا مورد نظر باشد، در اینصورت خداوند کافرین را بر مؤمنین مسلط نخواهند کرد... برای اینکه بین ما و پیروزی در هیچ زمان و مکان فاصله نباشد باید حقیقت ایمانمان و مقتضیات آنرا تکمیل کنیم... و این از حقیقت ایمان است که خود را مجهز و قوی کنیم و از حقیقت ایمان است که بر دشمنان تکیه نکنیم و از غیر خدا بزرگی نطلبیم».

ب - در حالی که اسلام مجهز شدن مسلمانها به علوم و فنون را برای تأمین استقلال و اعتلای جامعه اسلامی تشویق می کند، اما همین هم بخاطر حفظ و صیانت معنویات است و بخاطر همین است که در آیه شریفه:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله»

(الانفال: ۶۰)

(در برابر آنها تا آنجا که توانائی دارید نیرو و اسبهای ورزیده آماده سازید تا بوسیله آنها دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.)

خداوند پس از آنکه جامعه اسلامی را به تقویت بنیه دفاعی شان دعوت می کند بلافاصله هدف این دعوت را که تضعیف دشمنان خدا و جامعه اسلامی است ذکر می کند (ترهبون به عدو الله) پس باید مسلمین ضمن تقویت نیروهای مادی شان بفکر باشند که آنها را در خدمت به معنویات و تحقق اهداف اسلامی بکار گیرند و آنها را با لذات هدف خود قرار ندهند. آیه شریفه:

«انا جعلنا ما على الارض زينة لها لنبلوهم ايهما احسن عملاً»

(الکھف: ۷)

(ما آنچه را که در زمین جلوه گر است زینت و آرایش آن قرار دادیم تا امتحان کنیم که کدامیک از انسانها عملشان نیکوتر است.)

«وهوالذی خلق السماوات والارض فی ستة ايام وکان عرشه على الماء لیلوکم ایکم احسن عملاً»

(هود: ۷)

(واوست خدائی که آسمان و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید، و عرش او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است.)
بوضوح این مطلب را نشان میدهند.



دیدیم که در اسلام همه کارها و فعالیت‌ها بر محور خدا می‌گردد و علوم طبیعی نیز بعنوان وسائلی که به خداشناسی ما می‌افزایند و در ایجاد جامعه توحیدی مستقل مؤثرند، مطلوب هستند، در عصر حاضر که جوامع اسلامی کاملاً تحت سلطه کفار هستند مسلمانها وظیفه‌ای، بس دشوار بر عهده دارند طبق آیه شریفه:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل..»

مسلمانان باید از هر جهت مجهز شوند و از آنجا که علوم تجربی امروز اساس تمام کارهای زندگی دنیوی است، تقویت این بعد امت اسلامی کمال ضرورت را دارد. کشورهای اسلامی باید با تشکیل مراکز تحقیقاتی و تجهیز امکانات دانشگاهی به تربیت متخصصین در تمام رشته‌های علمی پردازند، و البته باید در این کار در درجه اول علوم بنیادی را تقویت کنند تا بتوانند بطور خود کفا نیازهای علمی و فنی‌شان را تأمین کنند و از حالت مقلد بودن در آیند و خود مبتکر شوند اما در این نهضت علمی رعایت نکاتی چند در ارتباط با تقویت بنیه علمی جوامع اسلامی ضروری است:

۱ - واضح است که لا اقل در زمان حاضر مسلمین نیازمند به دریافت برخی از علوم و فنون از کشورهای پیشرفته هستند و البته جذب علوم و فنون از هر منشأ که باشد اشکالی ندارد، چه پیامبر اعظم خود فرموده است:

«اطلبوا العلم ولو بالصین»^{۲۲}

علم را بجوئید گرچه در چین باشد

«الحكمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو احق بها»^{۲۳}

حکمت گمشده مؤمن است، او هر جا آنرا بیابد به آن سزاوارتر از دیگران است.

«خذوا العلم من افواه الرجال»^{۲۴}

علم را از دهان مردم بگیریید.

(۲۲) مجلسی: بحارالانوار (ج ۲/۹۹)؛ شیخ زین الدین عاملی: منیة المرید فی آداب المفید والمستفید (ص ۷۱، چاپ قم)، سیوطی: الجامع الصغیر جزء ثانی/ ۲۵۵، چاپ دمشق).
 (۲۳) مجلسی: بحارالانوار (ج ۲/۱۰۵).
 (۲۴) آمدی: غررالحکم و دررالکلم (ج ۳/۴۰۸)، چاپ دانشگاه تهران).

و علی (ع) فرموده است:

«حق علی العاقل ان یضیف الی رأیه رأی العقلاء و یضم الی علمه علوم الحکماء»^{۲۵}
(شایسته است که هر شخص خردمندی رأی خردمندان را به رأی خود اضافه کند و علوم حکما را به علم خود بیفزاید.)

«الحکمة ضالة المؤمن فاطلبوها ولو عندالمشرك ، تكونوا احق بها واهلها»
(حکمت گمشده مؤمن است پس بدنبالش روید گرچه در نزد مشرکان باشد چه شما از آنها به آن شایسته تر و سزاوار آن هستید.)

و دانشمندان مسلمان هم خود در گذشته بدینطریق عمل کردند اما کاری که آنها کردند و ما هم باید بکنیم اینست که عمل جذب باید بصورت گزینشی و همراه با پیرایش باشد. یعنی این جذب باید در پرتو جهان بینی اسلامی باشد، چه در اینصورت است که مسلمانها میتوانند عناصری از فرهنگ و دانش بیگانگان را که با روحیه اسلام سازگار است جذب کنند و در آن ها روحیه اسلامی بدمند. فقط در پرتو جهان بینی اسلامی است که علوم مختلف میتوانند هدف واحد داشته باشند و ما را بسوی حق تعالی راهنمایی کنند.

امروز دو حقیقت روشن داریم: یکی اینکه غرب از نظر علم و صنعت خیلی پیشرفت کرده است و در مقابل دنیای اسلام در این حوزه خیلی عقب مانده است و دیگر آنکه علم غرب در عین ترقیات شگرفش انسان غربی را به جائی نرسانده است و بلکه او را در ورطه پوچی انداخته و کل بشریت را در معرض نابودی قرار داده است.

۲ - یاید آن برخورداردی که دانشمندان مسلمان در عصر تمدن اسلامی با علوم مختلف

(۲۵) مجلسی: بحارالانوار (ج ۲/۹۷).

داشتند احیاء و رایج شود. آنها هیچ جدائی واقعی بین معارف خاص مذهبی و علوم طبیعی نمی دیدند و هدف هردو را یکی میدانستند از نظر آنها علوم تجربی وحدت وانسجام طبیعت را نشان میدهند و در نتیجه ما را به خالق طبیعت میرسانند و این همان چیزی است که هدف ادیان است.

درست بخاطر این نوع بینش بود که در دوران درخشان تمدن اسلامی همه دانشها در یک جا تدریس میشد، و برخی از دانشمندان مسلمان، هم در معارف مذهبی مجتهد بودند، و هم در علوم طبیعی.

این سنت حسنه باید بار دیگر احیاء شود و برنامه درسی دانشگاهها و مدارس در کشورهای اسلامی باید هم حاوی آخرین تجارب علمی بشری باشد و هم شامل معارف خاص اسلامی تنها در اینصورت است که افکار الحادی و بینش های مادی غرب و شرق تأثیرات سوء در دانش پژوهان نخواهند گذاشت، و آنها خواهند توانست خوب و بد افکار وارداتی را از هم جدا و جهان بینی اسلامی را بر علم و فن شان حاکم کنند.

۳ - از آنجائی که طبق آیات:

«واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة...» (البقرة: ۳۰)

(وهنگامی که پروردگار توبه فرشتگان گفت من در زمین جانشین قرار خواهم داد.)

«هو الذي جعلكم خلائف في الارض فمن كفر فعليه كفره...» (فاطر: ۳۹)

(اوست خدائی که شما را در زمین جانشین قرار داد. پس هرکس کافر شود زیان کفر

متوجه خود اوست.)

«ثم جعلناكم خلائف في الارض من بعدهم لنتنظر كيف تعملون» (یونس: ۱۴)

(سپس ما شما را در زمین جانشین کردیم تا بنگریم که چگونه عمل خواهید کرد.)

بشر نقش خلیفه الهی را در زمین بازی میکند، و از آنجا که طبق آیاتی نظیر:

«هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً» (البقرة: ۲۹)

(اوست خدائی که همه آنچه را که در زمین است برای شما آفرید.)

«ولقد مكناكم في الارض وجعلنا لكم فيها معاش...» (الاعراف: ۱۰)

(و همانا ما شما را در زمین تمکین بخشیدیم و در آن برای شما از هرگونه نعمتی مقرر

داشتیم.)

خداوند برای ایفای این نقش امکانات زیادی را در طبیعت برای بشر فراهم کرده و هماهنگی جالبی بین تکوین انسان و تکوین سایر موجودات برقرار کرده است تا بشر بتواند

نیازهای خود را برطرف کند بنابراین مسلمان باید از علم و فن‌شان تنها در راه بکارگیری این امکانات در جهت اهداف عالی اسلامی و مصالح عالی بشری استفاده کنند تا مصداق آیه شریفه:

(آل عمران: ۱۱۰)

«کنتم خیر امة اخرجت للناس...»

شما بهترین امت بودید که بسود انسانها در زمین ظاهر شد چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید)
شوند مسلمانها مجاز به تخریب زمین و ظلم و فساد در آن نیستند بلکه طبق آیه شریفه:
«.. هو انشاء کم من الارض واستعمرکم فیها..»

(هود: ۶۱)

(اوسته خدائی که شما را از خاک بیافرید و به عمران و آباد ساختن زمین برگماشت.)
باید به آبادانی و عمران زمین پردازند متأسفانه در زمان حاضر علم در غرب به علت پشتوانه فلسفی غلطی را که دارد جز خرابی ثمره‌ای بیار نیاورده است و جوامع عالم و توانای امروز، دقیقاً مصداق آیه شریفه: زیر گشته‌اند: «واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها..»
(البقره: ۲۰۵)

(و هنگامی که روی بر میگردانند (وازنزد تو دور می‌شوند) کوشش می‌کنند که در زمین فساد کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود سازند.)

داستان آدم در قرآن در عین آنکه عظمت انسان خلیفه الله آگاه به اسماء را میرساند ما را متوجه خطراتی که تخلف از دستورات الهی در بر دارد میکند انسان خلیفه خدا در زمین شده است که آنرا آباد کند و آیات الهی را بشناسد و مظهر قدرت و حکمت حق تعالی شود.

۴ - باید در دانشگاهها و مدارس جوامع اسلامی به مسأله تزکیه اخلاقی دانش پژوهان توجه کافی شود در اینصورت فارغ التحصیلان هم مجهز به علم خواهند بود و هم مجهز به ایمان و با این نوع عالمان است که جهان آبادانی مییابد و کلام معروف امام علی (ع) «وبالایمان یعمرالعلم»^{۲۶} (و به وسیله ایمان علم آباد میشود).

تحقق پیدا میکند. عالم بدون تزکیه اخلاقی محصولی جز آنچه دنیای غرب بیرون داده است نخواهد داشت و عالمان بی ایمان هدفی جز کسب جاه و قدرت و مال ندارند. بقول امام خمینی: «اینهمه ابزار فنای انسان و اینهمه پیشرفت‌هایی که بخیال خودشان در ابزار جنگی

(۲۶) نهج البلاغه (ص ۲۱۹)، چاپ دکتر صبحی الصالح).

دارند اساسش از دانشمندانی بوده است که از دانشگاهها بیرون آمده‌اند دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است.»

اسلام برای آنکه تضمین کند که علم بصورت مفید بکار رفته میشود تزکیه همراه تعلیم را ضروری دانسته است و قرآن خود بهنگام صحبت از رسالت انبیاء تعلیم را مقارن با تزکیه آورده است:

«یتلوا علیکم آیاتنا و یرزیکم و یعلمکم الکتاب والحکمة..» (البقره: ۱۵۱)

(تا آیات ما را بر شما تلاوت کند و نفوس شما را پاکیزه گرداند و به شما تعلیم حکمت

و شریعت دهد.)

«و یعلمهم الکتاب والحکمة و یرزیکهم..» (البقره: ۱۲۹)

(... و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه گرداند...)

«یتلوا علیهم آیاتنا و یرزیکهم و یعلمهم الکتاب والحکمة..» (الجمعة: ۲)

(تا بر آنان آیات الهی را تلاوت کند و آنها را پاکیزه گرداند و به آنها شریعت و حکمت

بیاموزد)

علمای مسلمان نیز در گذشته شاگردان خود را به کسب فضائل اخلاقی تشویق

می‌کردند و از هدف قرار دادن مال و مقام و قدرت و... در طلب علم برحذر میداشتند.

محمد زکریای رازی هنگامی که از صفات دانشجویان پزشکی صحبت میکند

میگوید: ۲۷ واجب است که دانشجوی پزشکی طب را برای جمع مال نخواهد، بلکه متذکر باشد

که نزدیکترین مردم بخدا عالمترین و عادلترین و مهربانترین آنها به مردم است.»

بطور خلاصه برای تأمین رفاه مادی و معنوی امت اسلامی مجهز بودن علمای آن به سلاح

ایمان و تقوی از ضرورات اولیه است.

۵- از آنجا که امت اسلامی امت وسط نامیده شده است:

«و كذلك جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس..» (البقره: ۱۴۳)

(همینطور شما را امت میانه‌ای قرار دادیم تا نمونه‌ای برای مردم دیگر باشید...)

و از آنجا که در اسلام مقرر گشته که بین جهات مادی و جهات معنوی توازن نگهداشته

شود:

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة..» (البقره: ۲۰۱)

(۲۷) محمد بن زکریای رازی: رسائل فلسفیه ص ۱۰۸، تحقیق کراوس، قاهره ۱۹۳۹.

(خدایا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان.)

بنابراین امت اسلامی نباید مثل دنیای غرب غرق در جنبه‌های مادی حیات شود و جانب روحی انسان را فراموش کند. مسلمین نباید فراموش کنند که اسلام مادیات را نیز بعنوان نردبانی برای معنویات می‌خواهد و بنابراین آنها نباید هرگز فلسفه‌ای را که اسلام برای فراگیری علوم و فنون دارد فراموش کنند و خود اینها را هدف اصلی شان قرار دهند البته این بمعنای کوتاه آمدن در کسب علوم و فنون نیست بلکه بمعنای این است که در ضمن آنکه در کسب علوم و فنون بالاترین کوشش‌ها را می‌کنند باید همواره خدا و کسب رضای او را محور کارهایشان قرار دهند.

بطور خلاصه امروز دو حقیقت روشن داریم: یکی اینکه غرب از نظر علم و صنعت خیلی پیشرفت کرده است و در مقابل دنیای اسلام در این حوزه خیلی عقب مانده است و دیگر آنکه علم غرب در عین ترقیات شگرفش انسان غربی را بجائی نرسانده است و بلکه او را در ورطه پوچی انداخته و کل بشریت را در معرض نابودی قرار داده است. در این وضعیت وظیفه مسلمانان است که اولاً این عقب افتادگی در علوم را جبران کنند و خود مثل گذشته مبتکر و پیشرو شوند و ثانیاً با احیای معارف اسلامی و حکمفرما کردن جهان بینی اسلامی بر فکر خود بشریت را بسوی رفاه و خوشبختی واقعی سوق دهند.

اگردانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می‌گیرند و سرپرستی می‌کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند و بهترین و موثرترین راه مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.

از پاسخ امام خمینی به اتحادیه انجمن‌های

اسلامی دانشجویان در اروپا مورخ ۵۶/۱۱/۲۴